

منافع ملی در پرتو قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۳/۵

ناصر علیدوستی*

چکیده

از اواسط دهه هفتاد، عرصه قانون‌گذاری کشورمان شاهد تصویب تعداد قابل توجهی از قوانین موافقت‌نامه‌های تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگر دولت‌ها بوده است. به رغم تمایل کشورها به انعقاد و امضای چنین موافقت‌نامه‌هایی، به دلیل وجود چالش‌های قابل توجه برای تصویب و اجرای آنها، استقبال از این موافقت‌نامه‌ها یکسان نبوده است. چالش مورد اشاره ناشی از این نکته است که در موافقت‌نامه‌های مذکور، دو مصلحت ملی با یکدیگر روبرو می‌شوند. از یک طرف مصلحت ضرورت توسعه و پیشرفت اقتصادی و همکاری با دیگر کشورها برای نیل به این هدف و از سوی دیگر، مصلحت کنترل، حفظ و صیانت از اموال عمومی و دارائی‌های دولت و جلوگیری از تسلط بیگانه بر منافع و منابع ملی کشور. موافقت‌نامه‌های مذکور، مجال جمع بین این دو مصلحت می‌باشند. کلیدواژه‌ها: قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، مصادره، ملی‌شدن، حل اختلاف، داوری، سرمایه‌گذاری خارجی.

* دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران، هیأت علمی دانشگاه پیام نور و همکار گروه حقوق و امنیت ملی در پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره اول • بهار ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۳

مقدمه

به موازات افزایش اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی و نقش آن در پیشرفت اقتصادی کشورها، حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نیز اهمیت روزافزونی یافته است. از این‌رو، روش‌های قانونی متعددی برای تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی متداول شده است. گاهی قانون‌گذار با تصویب قانون عام، سرمایه‌گذاری خارجی را تشویق نموده و مورد حمایت قرار می‌دهد و گاهی، معاهده دوجانبه تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی میان دو دولت منعقد و حاصل توافق فیما بین، پس از تصویب قوه قانون‌گذاری، با عنوان «قانون موافقت‌نامه دوجانبه تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری» میان دو دولت و اتباع آنها به مرحله اجرا در می‌آید. تردیدی نیست که دولت‌ها در انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند. با این حال، ویژگی موافقت‌نامه‌های مذکور باعث شده دولت‌ها به اجبار از برخی منافع ملی خود در این موافقت‌نامه‌ها، صرف‌نظر کنند تا منافع کلانتری را به دست آورند.

به دنبال رواج جهانی امضای معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، قانون‌گذاری ما نیز از سال ۱۳۷۵ به بعد با روندی روبه رشد، تصویب «قوانین موافقت‌نامه‌ها دوجانبه تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی»^۱ را در دستور کار خود قرار داد و از آن تاریخ به بعد، قوانین مذکور برای حمایت متقابل دولت ایران و حدود چهل کشور به تصویب رسید. (۱) معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، که به عنوان قانونی خاص^۲ تنها بر رابطه حقوقی دو دولت متعاقد و اتباع آنها حکومت دارند، در راستای تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی با اعطای امتیازات و تضمیناتی به سرمایه‌گذار و نیز قانونمند کردن رابطه حقوقی سرمایه‌گذار و دولت سرمایه‌پذیر و پیش‌بینی روش‌های پیشرفته و آسان حل اختلاف از قبیل داوری و سازش، تصویب می‌شوند.

۱. در اصطلاح حقوقدانان، «قوانین موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت ایران و دیگر دولت‌ها» با عنوان «قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری» و نیز «معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری» و امثال آنها یاد می‌شود.

2. Lex specialis

دلایل تصویب قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری

۱. اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی

پیش‌فرض اقتصاددانان و دست‌اندرکاران کشورمان این است که رونق اقتصادی کشور در گرو جذب سرمایه است. از گزارش جهانی سرمایه‌گذاری خارجی سال ۲۰۰۴، چنین برمی‌آید که برای بهره‌برداری از اقتصاد جهانی، کشورها باید توانمندی‌هایشان را برای ارائه خدمات رقابتی تقویت کنند. اگر شرایط مناسب باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در رسیدن به این هدف کمک کند.

مهمترین نقش سرمایه‌گذاری خارجی، آوردن سرمایه، مهارت‌ها و فن‌آوری به کشورهایی است که برای ایجاد صنایع خدماتی رقابتی بدان نیاز دارند. (۲)

سرمایه‌گذاری خارجی، افزون بر اینکه موجب رشد اقتصادی و در نتیجه، رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم می‌شود که خود نوعی کارکرد امنیتی است، به دلیل تمایل سرمایه‌گذاران (اعم از شرکت‌های خصوصی یا دولتی متنفذ در عرصه‌های سیاسی) به امنیت حوزه سرمایه‌گذاری خود، در حصول این مطلوب، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، تأثیرگذار خواهد بود. (۳)

وضعیت فعلی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. تأکید مقامات دولتی بر تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی مردم و نیز دورنمای پیش‌بینی‌شده در مورد وضعیت اقتصادی کشور در چشم‌انداز بیست‌ساله که بر «تبدیل ایران به قدرت اول اقتصادی منطقه» مبتنی است، بدون رونق اقتصادی دست‌یافتنی نمی‌باشد. از سوی دیگر، بحران‌سازی آمریکا در مورد ایران، از جنبه اقتصادی نیز با تصویب قانون داماتو نمایان شد که در راستای تحمیل انزوای اقتصادی به کشورمان بود. به موجب این قانون، آمریکا شرکت‌ها و کشورهایی را که بیش از ۲۰ میلیون دلار در منابع انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند، مجازات می‌کند. بنابراین، جلب سرمایه‌گذاری در این عرصه: اولاً موجب بی‌اعتباری تحریم آمریکا و تسطیح مسیر سرمایه‌گذاری شرکت‌های غیرآمریکایی در ایران می‌شود و ثانیاً دولت برای تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی داخلی، در هر حال، ملزم و مجبور به گسترش سرمایه‌گذاری‌ها در این عرصه می‌باشد. (۴)

بنابراین، جلب سرمایه‌گذاری خارجی برای دولت ایران، هم ضرورت اقتصادی است و هم مصلحت امنیتی.

۲. اشکالات معاهدات چندجانبه و قوانین عام حمایتی

جذب سرمایه‌گذاری خارجی، پس از پذیرش اهمیت آن، نیازمند اتخاذ تدابیر و اعمال حمایت‌ها و تشویق‌هایی است که در معاهدات چندجانبه یا قوانین عام حمایت و تشویق سرمایه‌گذاران خارجی دنبال می‌شود.

در چارچوب معاهدات چندجانبه سرمایه‌گذاری، تلاش‌های زیادی برای حمایت از آن شده که موفق نبوده است. موضوعات حساسی که باید طی معاهده چندجانبه مورد تصمیم‌گیری قرار گیرند مانند حاکمیت و بهره‌برداری از منابع طبیعی و سیاست‌های اقتصاد ملی، به قدری با حساسیت دنبال می‌شوند که به نظر نمی‌رسد کشورهای در حال توسعه بخواهند در این موضوعات به سادگی خود را در یک معاهده چندجانبه الزام‌آور متعهد نمایند. (۵)

در کشور ما، پس از تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ و با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، حساسیت‌ها نسبت به صیانت از منابع ملی به طور فزاینده‌ای بالا رفت و به حق، تمایلی به مصالحه و سازش بر سر دارائی‌های عمومی و سرمایه‌های ملی وجود نداشت. این حساسیت را به روشنی می‌توان در اصول قانون اساسی ملاحظه کرد. (۶)

از سوی دیگر، ایران کشوری است دارای منابع عظیم نفت و گاز و استخراج این منابع نیازمند فن‌آوری، دانش فنی، سرمایه، امکانات، ابزار و وسائل است که نه تنها کشور ما، بلکه بیشتر کشورهای نفت‌خیز از آن محرومند. ضرورت یافتن راهکاری برای جمع بین این دو مصلحت، قانون‌گذار را به وضع قوانین عادی رهنمون کرد.

در میان قوانین عادی، وضع و تصویب قوانین عام^۱، ممکن است به دلیل همگانی بودن، یکی از مصالح پیش‌گفته، به ویژه «تأمین حاکمیت ملی نسبت به منافع ملی» را به خوبی تأمین

۱. مانند قانون «تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۴/۳/۴»

نکند. در نتیجه، توسل به وضع قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری، در راستای هموارنمودن راه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور با لحاظ «مبانی خاص»^۱، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت.

اهداف تصویب این قوانین

در مقدمه قوانین موافقت‌نامه‌های متقابل تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، اهداف و مقاصد مورد نظر دولت جمهوری اسلامی ایران و طرف مقابل به این شرح بیان شده است:

«دولت جمهوری اسلامی ایران و «دولت متعاقد دیگر»: ۱- با علاقمندی به تحکیم و تقویت همکاریهای اقتصادی در جهت تأمین منافع هر دو دولت، ۲- به کارگیری منابع اقتصادی و امکانات بالقوه خود در امر سرمایه‌گذاری، ۳- ایجاد شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری اتباع طرف‌های متعاقد در قلمرو یکدیگر و ۴- با تأیید لزوم تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های اتباع طرف‌های متعاقد در قلمرو یکدیگر، به متن معاهده توافق می‌نمایند.» (۷)

از ویژگی‌های معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری این است که میان طرف‌های نابرابر امضا و اجرا می‌شوند و معمولاً میان کشور توسعه‌یافته صادرکننده سرمایه و کشور در حال توسعه علاقمند به جلب سرمایه‌گذاری از آن کشور، منعقد می‌گردند. منطق اصلی^۲ و هدف اعلامی انعقاد معاهده، تعهد به حمایت از سرمایه‌ای است که براساس این معاهده جذب می‌شود. اگرچه معاهده، جریان دوطرفه سرمایه‌گذاری را میان کشورهای عضو مد نظر دارد، اما به اعتقاد صاحب‌نظران، با توجه به اختلاف سطح ثروت و تکنولوژی میان دو کشور در عمل، جریان متقابل سرمایه‌گذاری غالباً عملی نیست. به بیان دیگر، جریان دوطرفه سرمایه‌گذاری که صراحتاً به عنوان هدف و مبنای تعهدات مزبور ذکر می‌شود، تصور و خیالی بیش نیست. (۸)

بندهای چهارگانه بالا و ماده ۲ قوانین موافقت‌نامه‌های تشویق و حمایت متقابل سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران و دیگر دولت‌ها که با عنوان «پذیرش سرمایه‌گذاری»

1. basis ad hoc

2. Rational

تنظیم شده، با ایراد فوق‌الذکر مواجه می‌باشد.^۱ در عین حال، عبارت انتهایی همین ماده ۲، مقرر داشته «... این پذیرش ممکن است تحت شرایط مشخصی توسط مرجع صلاحیت‌دار موضوع ماده ۱۰ اعطا شود.» به استناد این عبارت، می‌توان برخورد نوعی و برون‌ذاتی^۲ را به معیاری شخصی^۳ نزدیک نمود و بسته به مورد، شرایط ویژه‌ای را برای سرمایه‌گذاری خارجی پیش‌بینی کرد. برای مثال، در اعلام چنین شرایطی برای اجرای قانون موافقت‌نامه متقابل سرمایه‌گذاری کشورمان با سوریه، تسهیل ورود و خروج سرمایه، منافع ملی را تأمین می‌کند، زیرا این امر به معنای تسهیل بازاریابی شرکت‌ها و مؤسسات تولیدکننده فعال کشورمان در کشور سوریه است، در حالی که در بیان شرایط خروج و ورود سرمایه به ایتالیا بهتر است محدود به نیازهای کشورمان از قبیل فن‌آوری و دانش فنی و سرمایه و امکاناتی باشد که تأمین آن در داخل امکان‌پذیر نیست.

حمایت از سرمایه‌گذاری و حفاظت از حاکمیت ملی

در دوره پس از استعمار، قواعد حمایت از سرمایه‌گذاری در نتیجه انتقادات هماهنگ کشورهای در حال توسعه از قواعد مورد حمایت کشورهای توسعه‌یافته، به طور قابل توجهی گسترش یافت. نظام‌های قراردادی که مبنای سرمایه‌گذاری خارجی بود، جای خود را به نظام کنترل ملی داد.^(۹) قواعد مربوط به مسئولیت دولت و معیارهای رفتار با بیگانگان، از سوی کشورهای در حال توسعه مورد انتقاد واقع شد.^(۱۰) قاعده جبران خسارت فوری، کافی و مؤثر در سلب مالکیت از بیگانگان، جای خود را به «جبران خسارت مناسب» داده و به طور کلی، دکترین «حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، تعیین سرنوشت اقتصادی و کنترل ملی بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی» در سرتاسر جهان پذیرفته شد.^(۱۱) هر یک از تحولات یادشده، به تنهایی کافی است تا هر شرکت سرمایه‌گذار خارجی را از ورود به عرصه سرمایه‌گذاری کشورهای در حال توسعه منصرف کند. از این‌رو، پیش‌بینی برخی حمایت‌ها با لحاظ حاکمیت

۱. به موجب ماده ۲ «هر طرف متعاقد بر طبق قوانین خود و مقررات این موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر را خواهد پذیرفت...».

2 . objective
3 . subjective

ملی، در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری، برای رفع نگرانی سرمایه‌گذار خارجی صورت می‌پذیرد.

قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه ایران و دولت‌های متعاقد

به منظور اطمینان‌دادن به سرمایه‌گذار خارجی راجع به مصادره اموال یا سلب مالکیت یا ورود خسارت، قوانین موافقت‌نامه تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری متقابل میان کشورمان و دیگر دولت‌ها، مقررات قابل توجهی پیش‌بینی نموده‌اند.

ماده ۵ قانون مذکور میان ایران و فرانسه، در خصوص مصادره و جبران خسارت مقرر می‌دارد: «۱- سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران هریک از طرف‌های متعاقد توسط طرف متعاقد دیگر ملی، مصادره و سلب مالکیت نخواهد شد و یا تحت تدابیر مشابه قرار نخواهد گرفت، مگر آنکه اقدامات مزبور برای اهداف عمومی به موجب فرایند قانونی، به روش غیر تبعیض‌آمیز و در مقابل جبران خسارت سریع، مؤثر و مناسب انجام پذیرد.

۲- میزان جبران خسارت باید معادل ارزش سرمایه‌گذاری، بالافاصله قبل از ملی‌شدن، مصادره یا سلب مالکیت باشد.

۳- خسارت باید بدون تأخیر پرداخت شود. در صورت تأخیر، این خسارت شامل هزینه‌های مربوطه نیز خواهد بود. خسارت باید عملاً قابل پرداخت بوده و آزادانه قابل انتقال باشد.» (۱۲)

مشابه این مقرره را می‌توان در قوانین موافقت‌نامه‌های متقابل تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های ایتالیا (ماده ۴)، قرقیزستان (ماده ۶)، تونس (ماده ۶)، بلغارستان (ماده ۵) و ازبکستان (ماده ۶) ملاحظه کرد.

این ماده، سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران هریک از طرف‌های متعاقد را از سوی طرف دیگر، مصون از «ملی‌شدن»، «سلب مالکیت» و «مصادره» اعلام می‌کند.

این اصل تخلف‌ناپذیر نیست. با این حال، نقض اصل منوط به شرایطی شده که در عمل نگرانی‌های سرمایه‌گذار خارجی را برطرف می‌کند، مطابق این شرایط، اولاً نقض اصل برای

اهداف عمومی باشد، ثانیاً به موجب فرایندی قانونی باشد، ثالثاً به روش غیر تبعیض‌آمیز باشد و رابعاً در مقابل، پرداخت خسارت سریع، مؤثر و مناسب انجام پذیرد.

تردید نیست سرمایه‌گذاران خارجی با محاسبه احتمال بروز خطرات پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده، مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌نمایند. با این حال، هرگاه احتمال تحقق این خطرات افزایش یابد، تمایل به سرمایه‌گذاری کم می‌شود.

سابقه تاریخی کشورها و سرگذشت سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آنها، به مثابه الگویی برای تعیین میزان احتمال بروز خطر برای سرمایه‌گذاران خارجی است. هر سرمایه‌گذار خارجی، با داشتن سابقه ملی کردن صنعت نفت در ایران یا ملی شدن کانال سوئز در مصر و امثال آنها، تکرار این تجربه را در مورد دارائی‌های خود پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، تصویب و تأیید قانونی اصل منع ملی کردن و مصادره و سلب مالکیت و مشابه آنچه در ماده پیش گفته شد، تا حد زیادی از نگرانی سرمایه‌گذار خارجی می‌کاهد.

آنچه مسلم است، اشتیاق به جذب سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌تواند موجب فراموشی منافع ملی و مصالح عمومی گردد. استثناء وارده بر این اصل نیز در راستای تأمین این مصلحت پیش‌بینی شده است.

تضمین پیش‌بینی شده در ماده ۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱/۳/۴ نیز ناظر به اصل عدم سلب مالکیت و استثنائات آن است. این ماده مقرر می‌دارد: «سرمایه‌گذاری خارجی مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار نخواهد گرفت مگر برای منافع عمومی، به موجب فرایند قانونی، به روشی غیرتبعیض‌آمیز و در مقابل پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه‌گذاری، بلافاصله (پس) از سلب مالکیت».

با توجه به عام‌بودن قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری نسبت به قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه، این حکم و دیگر احکام مشابهی که در قانون مذکور انشاء شده، حتی اگر در قوانین دوجانبه ذکر نشود، باز هم به استناد قانون یادشده، قابلیت اعمال آنها وجود دارد. وجه فارقی که می‌توان برای این فرض تصور نمود، این است که تکرار این احکام در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه، طرف مقابل را نیز در برابر سرمایه‌گذاران ایرانی به این احکام پایبند می‌سازد.

حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعاتی که سرمایه‌گذاری خارجی با آن مواجه است، چگونگی حل و فصل اختلافات می‌باشد. در واقع، کشور سرمایه‌پذیر نمی‌خواهد سرمایه‌گذار خارجی به بهانه احقاق حقی که در قبال واردکردن سرمایه به کشور برای خود قائل است، منافع ملی را نادیده گرفته و در جریان یک رسیدگی مشکوک و غیرقابل اعتماد، دارائی‌های ملی را به یغما ببرد. (۱۳) به همین دلیل، علاوه بر محدودیت پیش‌بینی‌شده در اصل ۱۳۹ قانون اساسی، ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، در فصل حل و فصل اختلافات، در صورت حل‌نشدن اختلاف از طریق مذاکره، «دادگاههای داخلی» را مرجع صالح برای رسیدگی شناخته است. به موجب این ماده: «اختلافات بین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی درخصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع این قانون، چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد، در دادگاههای داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد...».

از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که سرمایه‌گذار خارجی به بی‌طرفی دادگاهها و دیوان‌های محلی در حل و فصل اختلافاتی که احتمالاً میان او و کشور میزبان به وجود می‌آید، اطمینان ندارد و این عدم اطمینان، در بیشتر موارد قابل توجیه است. به طور سنتی، از نظر سرمایه‌گذار، بهترین روش اطمینان از دادرسی بی‌طرفانه، داوری در کشور بی‌طرف و در مرجعی بی‌طرف است. از این رو، وقتی دولت میزبان در یک معاهده بین‌المللی متعهد می‌شود دادخواست داوری را که سرمایه‌گذار خارجی علیه وی اقامه کرده، بپذیرد، می‌توان گفت گام مهمی را به سوی حمایت از سرمایه‌گذاری برداشته است. (۱۴) علاوه بر «داوری»^۱، پیش‌بینی دیگر روش‌های «برون‌دادگاهی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی» شما نیز بنا به وحدت ملاک و اتحاد طریق دارای همین اثر حمایتی می‌باشند. برای نمونه، «سازش»^۲، «مذاکره»^۳، «رسیدگی کوتاه»^۴، «میانجی‌گری»^۵، «ارزیابی بی‌طرفانه»^۶ و «احراز واقع»^۱، به عنوان

-
1. Arbitration
 2. concilia tion
 3. Negotiation
 4. Mini- trial
 5. Mediation
 6. Neutral Evaluation

شیوه‌های نوین در حل و فصل اختلافات در عرصه تجارت بین‌الملل شناخته می‌شوند که این روش‌ها به دلیل استقلال مرجع رسیدگی‌کننده از طرفین اختلاف، به ویژه از ناحیه سرمایه‌گذاری مورد اقبال و توجه قرار گرفته‌اند.

چنانکه گذشت، برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌توان از حاکمیت ملی بر منابع و اموال و دارایی‌های عمومی و دولتی چشم‌پوشی کرد، همچنانکه صرف‌نظرکردن از سرمایه‌گذاری خارجی به بهانه نگرانی از ورود خدشه بر حاکمیت ملی، با مصالح ملی انطباق ندارد. از این‌رو، یافتن راهکار بینابین که بتواند حاکمیت ملی بر اموال و دارایی‌های عمومی دولتی را مصون از تعرض نماید و در عین حال به سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان دهد حقوقی از آنها ضایع نخواهد شد، جمع بین دو مصلحت خواهد بود که در نهایت، به «تأمین منافع ملی» می‌انجامد.

حل اختلافات سرمایه‌گذاری در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه ایران

در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی میان دولت ایران و دیگر دول، به منظور «تأمین منافع ملی» در عرصه حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، مقررات مفصلی پیش‌بینی شده است.

ذیل ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، تصریح دارد اگر در قانون موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد، موافقت‌نامه دوجانبه اجرا خواهد شد. (۱۵)

بنا به تجویز و تأیید این ماده و با توجه به اهمیت پیش‌بینی روش‌های مناسب حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین منافع ملی از این منظر، همه موافقت‌نامه‌های دوجانبه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگر دولت‌ها، در بردارنده ماده‌ای در این خصوص می‌باشند. در این ماده، فقرات زیر پیش‌بینی شده است:

۱. راه حل دوستانه

در برخی قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه، مقرر شده هر اختلاف حقوقی بین سرمایه‌گذار یکی از طرف‌های متعاقد و طرف متعاقد دیگر که از سرمایه‌گذاری ناشی شده باشد، در صورت امکان، به صورت «دوستانه» بین دو طرف ذریبط حل و فصل می‌شود. (۱۶) این قوانین، روش‌های دستیابی به راه حل دوستانه را ذکر نکرده‌اند. مطابق برخی دیگر از قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه، طرفین دعوا ابتدا سعی می‌کنند اختلاف را به صورت «دوستانه» و با روش‌های مذاکره و مشاوره حل کنند. بنابراین، «روش دوستانه» که با راهکارهای «مشاوره» و «مذاکره» قابل تحقق است، مطلوب قانون‌گذاری می‌باشد.

«منافع ملی» نیز چنین اقتضا می‌کند، زیرا معمولاً به کمک روش دوستانه، اختلاف با صرف کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان حل می‌شود. افزون بر این، طرف‌ها تمایل به همکاری اقتصادی آتی را نیز از دست نمی‌دهند و در نتیجه، شریک و همکار امروز به دشمن فردا مبدل نمی‌شود.

۲. عدم حصول نتیجه در مهلت قانونی

بند دوم ماده مربوط به حل و فصل اختلافات میان یک طرف متعاقد و سرمایه‌گذاران متبوع دولت دیگر که در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه میان دولت ایران و دولت‌های دیگر پیش‌بینی شده، به شرح زیر است.

چنانچه طرف متعاقد سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار بتوانند ظرف مهلت ۳ تا ۶ ماه (۱۸) از تاریخ ابلاغ ادعا به دیگری به توافق برسند، در معاهدات دوجانبه، یکی از راه‌حل‌های زیر پیش‌بینی شده است:

الف) هر یک از آنها می‌توانند اختلاف را در دادگاه‌های صالح داخلی طرف متعاقد سرمایه‌پذیر (کشور میزبان) مطرح نمایند.

ب) در کنار فقره بالا، امکان ارجاع موضوع مورد اختلاف به داوری با تفاوت‌هایی در همه قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه دولت ایران و دیگر دولت‌ها پیش‌بینی شده است.

تفاوت مورد اشاره، چنین است که گاهی بدون ورود به جزئیات، امکان ارجاع به هیأت داورى پیش‌بینی شده است. مانند آنچه میان دولت ایران و دولت چین توافق شده است. گاهی ضمن اشاره به داورى، پیروی از قواعد نمونه داورى بین‌المللى نیز مورد تصریح قرار گرفته است. برای مثال، در قوانین موافقت‌نامه‌های میان دولت ایران با دولت‌های فرانسه، ایتالیا و الجزایر، داورى‌های زیر مورد اشاره قرار گرفته است:

۱. داورى مرکز بین‌المللى حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذارى^۱ (۱۹) که به وسیله کنوانسیون حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذارى بین دولت‌های عضو و اتباع دیگر دول عضو در واشنگتن دی سی برای امضا مفتوح گردیده، منوط به اینکه هر دو طرف متعاقد، عضو آن کنوانسیون شوند. (۲۰)

۲. دیوان داورى موردی که به موجب قواعد داورى کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل^۲ (۲۱) تشکیل شود. (۲۲)
در مواردی نیز رجوع به این بند به عضو نبودن حداقل یک دولت متعاقد در معاهده ایکسید مشروط شده است. (۲۳)
در برخی از این موافقت‌نامه‌ها، بدون اشاره به مقررات ایکسید، حل و فصل اختلافات، تنها به موجب قواعد داورى آنسیترال پیش‌بینی شده است. (۲۴)

اصل ۱۳۹ قانون اساسی

مهمترین اصلی که در قانون اساسی راجع به حل و فصل اختلافات دولت ایران و طرف خارجی ملاحظه می‌شود، اصل ۱۳۹ است. به موجب این اصل:
«صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داورى در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

1 . ICSID

2 . UNCITRAL

در اجرای این اصل، به موجب ماده ۲۱۲ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، «... در تمام موارد مذکور (از جمله صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی با ارجاع آن به داوری که طرف دعوا خارجی باشد...)، دولت موظف است متن تفصیلی آنها را همراه با لایحه قانونی تقدیم مجلس نماید تا به صورت یک‌شوری مورد رسیدگی قرار گیرد. بدین ترتیب که پس از گزارش کمیسیون مربوط و صحبت دو مخالف و دو موافق در کلیات و جزئیات (هر کدام به مدت پانزده دقیقه)، برای تصویب به رأی گذاشته می‌شود».

عبارت «داوری» در این ماده و اصل ۱۳۶ قانون اساسی منطبق با «داوری» پیش‌بینی شده در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری است، اما عبارت «صلح دعاوی» عیناً در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه نیامده است. در عین حال، چنانکه در موافقت‌نامه‌های دوجانبه ملاحظه شد، یافتن راه حل «دوستانه» برای اختلافات، مقدم بر داوری است. ممکن است در این راه‌حل‌های دوستانه، «سازش» و «مصالحه» ضرورت یابد که در این صورت، «صلح در دعوا» مصداق پیدا می‌کند. با توجه صراحت اصل ۱۳۹ قانون اساسی در این موارد نیز، طی مراحل پیش‌بینی شده در اصل مذکور، علی‌الظاهر ضرورت دارد.

نظرات گوناگونی پیرامون اصل ۱۳۹ قانون اساسی ارائه شده که هر یک دارای پشتوانه تحلیلی و منطقی حقوقی ویژه‌ای است. یکی از محققان (۲۵) در این خصوص، به پنج برداشت زیر اشاره کرده است:

- ۱- نظریه کمیته بررسی و تفسیر بیانیه الجزایر؛
 - ۲- تفسیر مضیق اصل ۱۳۹؛
 - ۳- تفسیر اصل مذکور بر مبنای نمایندگی (اعطای نمایندگی)؛
 - ۴- تفسیر این اصل براساس عدم اهلیت؛
 - ۵- نظریه قابلیت ارجاع دعاوی اصل ۱۳۹ به داوری به صورت مشروط.
- صرف‌نظر از اشکالات وارد بر تعدادی از این برداشت‌ها، با توجه به اینکه نظریات فوق در خصوص ارجاع کلی دعاوی دولتی با طرف خارجی به داوری هستند و در این تحلیل‌ها شرایط خاص «قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری» که در آنها امکان ارجاع دعاوی

به داوری به تصویب مجلس رسیده، لحاظ نشده است، برای جلوگیری از تطویل مقال از بیان آنها خودداری می‌شود.

در مقام اجرای مقررات قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری راجع به حل و فصل اختلافات و جمع آن با مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی، پرسش زیر مطرح است:

«در مواردی که میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت متبوع سرمایه‌گذار اختلاف و دعوی بروز کند و میان دو دولت موافقت‌نامه دوجانبه موجود باشد، آیا در اجرای اصل ۱۳۹ باز هم تصویب ارجاع امر به داوری توسط مجلس ضروری است، در حالی که به موجب قانون موافقت‌نامه دوجانبه، به طور کلی ارجاع اختلافات فیما بین به داوری مورد تصویب مجلس قرار گرفته است؟»

در پاسخ به این پرسش، سه نظریه تحلیلی با نتایج کاملاً متفاوت از حیث منافع ملی قابل ارائه است.

نظریه نخست اینکه، هرچند به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی، رجوع به داوری در دعاوی راجع به اموال دولتی و عمومی، در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد، ضرورتاً منوط به تصویب مجلس است، اما در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری میان دولت ایران و دیگر دولت‌ها، صراحتاً ارجاع اختلافات به داوری پیش‌بینی شده و این پیش‌بینی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. از این رو، الزام مندرج در اصل ۱۳۹ قانون اساسی با تصویب قانون موافقت‌نامه دوجانبه محقق است و برای ارجاع دعاوی فیما بین به داوری، تصویب مجدد مجلس شورای اسلامی مصداق تحصیل حاصل بوده و ضرورتی ندارد. در تأیید این نظر می‌توان به نظریه شورای نگهبان به شماره ۶۰۲۵ مورخ ۶۵/۰۴/۱۸ که در مورد مشابه ارائه شده نیز استناد جست. به موجب این نظریه:

«... نظر به اینکه در مورد شمول اصل ۱۳۹ نسبت به قرارداد مورد سؤال، شورای نگهبان به نظری تفسیری نرسیده، ارجاع به داوری از طرف دولت بدون کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی مغایرت ندارد.» (۲۶)

هرچند این نظریه در خصوص قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری الزام‌آور نیست، اما بنا به ملاک آن و اینکه اگر ضرورت تصویب مجلس برای هر داوری وجود داشت،

شورای نگهبان این قوانین را مغایر قانون اساسی می‌شناخت. در نتیجه، تأیید آنها به منزله تأیید عدم ضرورت تصویب مجلس برای ارجاع دعاوی مربوطه به داوری است.

مطابق نظریه دوم، هرچند در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری فیما بین دولت ایران و دیگر دولت‌ها، ارجاع اختلافات آتی فیما بین سرمایه‌گذار و دولت متعاقد به داوری صراحتاً پیش‌بینی می‌شود. در عین حال، این پیش‌بینی زمانی صورت گرفته که اختلافاتی مطرح نبوده و به تبع آن، ارزش اختلاف و اهمیت آن و تأثیراتی که نتیجه داوری و رسیدگی، بر منافع ملی خواهد گذارد، روشن نیست. این در حالی است که فلسفه وضع اصل ۱۳۹ قانون اساسی، نظارت و کنترل قوه مقننه بر داوری‌های راجع به اموال عمومی و دولتی و جلوگیری از تضییع و تفریط آن و مآلاً حفظ و صیانت از منافع ملی بوده که با تصویب قانون موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری امکان تأمین این ملاحظات وجود ندارد و چون تلقی کفایت تصویب قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه به دلیل عدم بروز اختلاف در زمان تصویب همانند «ابرار مالم یجب»، عقلاً محال است، پس با وجود قوانین مذکور، تصویب موردی ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی، ضرورت خود را از دست نخواهد داد.

بر اساس نظریه سوم، باید قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری را به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته، قوانینی است که در آنها صراحتاً «تصمیمات دیوان داوری قطعی و برای طرفین لازم‌الاتباع» (۲۷) توصیف شده است. دسته دوم، قوانین موافقت‌نامه‌هایی است که قانون‌گذار در مقام بیان حل و فصل اختلافات فیما بین سرمایه‌گذار و دولت متعاقد، اشاره‌ای به لازم‌الاتباع بودن نتیجه داوری ننموده است.

در فروضی که از مصادیق دسته اول می‌باشند، قانون‌گذار با تصریح در قانون موافقت‌نامه دوجانبه به الزام‌آور بودن تصمیم داوری، از حق و اختیار نظارت و کنترل خود صرف‌نظر کرده است. بنابراین، نه تنها ضرورتی به تصویب مجدد ارجاع به داوری یا التزام به نتیجه داوری وجود ندارد، بلکه در صورت اصرار به تصویب ارجاع به داوری، حق مکتب طرف مقابل که به اعتماد قانون موافقت‌نامه دوجانبه حاضر به سرمایه‌گذاری در کشور شده است، تضییع خواهد شد.

در مورد فروضی که مشمول دسته دوم یعنی عدم تصریح التزام طرفین به نتیجه داوری است، حکم اصل ۱۳۹ قانون اساسی لازم‌الاتباع بوده و تصویب مجلس شورای اسلامی، شرط صحت و اعتبار ارجاع به داوری است.

با توجه به متن اصل ۱۳۹ قانون اساسی که ارجاع دعاوی (موجود) راجع به اموال عمومی و دولتی را در مواردی که طرف اختلاف و دعوی خارجی باشد، موکول به تصویب مجلس نموده است و نظر به اینکه، نظارت و کنترل مذکور هم حق است و هم تکلیف و تکلیف قابلیت اسقاط ندارد و نیز با توجه به اینکه «منافع و مصالح ملی» اقتضا می‌کند نظارت و کنترل مندرج در اصل ۱۳۹ قانون اساسی بر تک‌تک دعاوی موصوف که به داوری ارجاع می‌شوند، اعمال گردد، به نظر می‌رسد بدون تفکیک میان موارد قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه در هر مورد، ارجاع به داوری منوط و موکول به تصویب مجلس باشد. اشاره و تصریح به ضرورت «رعایت مقررات و قوانین طرف متعاقد سرمایه‌پذیر» برای ارجاع دعاوی به داوری که در برخی قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری دیده می‌شود، مؤید این نظریه است. (۲۸)

واگرایی چشم‌گیری میان معیارهای مندرج در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی ملاحظه می‌شود. این واگرایی و تفاوت در معیارها و میزان حمایت در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری اتفاقی نیست؛ زیرا بسته به اینکه کشور طرف معاهده، سرمایه‌گذار باشد یا سرمایه‌پذیر و اینکه تا چه حد حمایت دولت مقابل از تبعید خود و اعمال حقوق و وظائف ناشی از جانشینی دولت^۱ می‌تواند منافع ملی را تحت تأثیر گذارد، معیارهای متفاوتی در معاهدات مذکور درج می‌شود. برای نمونه، در تاریخ ۸۱/۱۰/۲۲، قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سوریه تصویب شد و در تاریخ ۸۲/۲/۲۳، قانون موافقت‌نامه مذکور میان ایران و ایتالیا به تصویب رسید. حال باید دید آیا معیارها، حمایت‌ها و ملاحظاتی که در قانون موافقت‌نامه میان ایران و سوریه پیش‌بینی شده است، می‌تواند با آنچه در قانون موافقت‌نامه ایران و ایتالیا آمده، یکسان باشد؟ ایتالیا نسبت به کشورمان سرمایه‌فرست محسوب می‌شود، در حالی که سوریه نسبت به ایران، سرمایه‌پذیر است. سطح روابط سیاسی ایران و سوریه با روابط ایران و ایتالیا متفاوت است. این

1 . subrogation

تفاوت‌ها که در نوع و سنخ ارتباط کشورمان با این دو کشور وجود دارد، ملاحظات متفاوت و اقتضائات ناهمگونی در روابط با این دو کشور می‌طلبد. برای تأمین ملاحظات متفاوت، تدوین مقررات متفاوت ضرورت می‌یابد که متأسفانه این نکته در تنظیم و تدوین قوانین دوجانبه تشویق و حمایت متقابل سرمایه‌گذاری میان جمهوری اسلامی ایران و دیگر دول، کمتر مورد ملاحظه بوده است.

نتیجه‌گیری

دولت جمهوری اسلامی ایران همانند دیگر دولت‌ها، با علاقمندی به تحکیم روابط و تقویت همکاری‌های اقتصادی و با هدف به کارگیری منابع اقتصادی و امکانات بالقوه خود در امر سرمایه‌گذاری و نیز ایجاد شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری‌های اتباع دیگر کشورها در قلمرو خود و شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری اتباع خود در قلمرو دیگر کشورها، با برخی دولت‌ها، موافقت‌نامه‌های تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی به امضا رسانده که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده‌اند.

چنانکه دیدیم، روی آوردن به این موافقت‌نامه‌ها به دلیل وجود ضرورت‌های اقتصادی و سیاسی و نیز ناکارآمدی موافقت‌نامه‌های چندجانبه و قوانین عام و فراگیر است. با توجه به تضمین‌هایی که در این موافقت‌نامه‌ها از حیث ملی‌شدن، مصادره اموال و جبران خسارات ناشی از سلب مالکیت از سرمایه متعلق به سرمایه‌گذار خارجی به وی داده می‌شود و نیز با توجه به پیش‌بینی روش‌های ساده، استاندارد و بی‌طرفانه برای حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری در معاهدات دوجانبه و به طور کلی با توجه به قانونمندشدن رابطه سرمایه‌گذار خارجی دو دولت میزبان سرمایه‌گذاری، تمایل و کشش برای سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی به وجود می‌آید.

با وجود این تشویق و تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی که در راستای مصلحت «رونق و توسعه اقتصادی» کشور است، نباید از مصلحت دیگر که عبارت از «حفظ و صیانت از منابع و منافع ملی» است، غافل شد. اصل ۱۳۹ قانون اساسی در این راستا تنظیم شده است. به موجب این اصل، ارجاع دعاوی مربوط به اموال عمومی و دارائی‌های دولت با اطلاع هیأت

دولت و با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است. حال با تصویب قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، نظراتی مطرح شده که مورد بررسی قرار گرفت و نظریه ضرورت تصویب مجلس مطابق اصل پیش‌گفته ترجیح داده شد و دلایل این ترجیح نیز به تفصیل آمد.

ضرورت لحاظ تفاوت‌ها و اختلافات در مناسبات و سطح روابط سیاسی - اقتصادی کشورمان با کشورهای طرف معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری در اعمال معیارهای مندرج در معاهدات و موافقت‌نامه‌های مذکور نیز بررسی شد. چنانکه گذشت، امکان اعمال معیارهای متناسب و متفاوت در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی، یکی از بزرگترین کارکردهای این معاهدات است که نباید نادیده گرفته شود. در نهایت، نکات ذیل به عنوان ماحصل تحقیق، ذکر می‌شوند:

یک. دستیابی به پیشرفت و توسعه اقتصادی بدون تعامل با کشورهای دیگر امکان‌پذیر نیست و یکی از مناسب‌ترین شیوه‌های ارتقای مناسبات اقتصادی با دیگر کشورها، امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی فی‌مابین دولت ایران و دیگر دولت‌هاست.

دو. در تنظیم و امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه میان دولت ایران و دیگر دولت‌ها، لحاظ محدودیت‌های ناشی از قانون اساسی و برطرف کردن برخی از این محدودیت‌ها و نیز لحاظ میزان مناسبات اقتصادی و سیاسی در تنظیم موافقت‌نامه‌ها و درج مقررات ویژه، به مناسبت مثبت یا منفی بودن طراز مبادلاتی کشور ایران با آن کشور، ضروری به نظر می‌رسد.

سه. اشتیاق به توسعه و نیاز به پیشرفت اقتصادی ارزشمند است، اما نمی‌توان منافع کلان ملی را به بهانه این اشتیاق نادیده گرفت.

یادداشت‌ها

۱. اسامی برخی کشورها که دولت جمهوری اسلامی ایران با آنها موافقت‌نامه دوجانبه تشویق و حمایت متقابل سرمایه‌گذاری امضا کرده، به همراه سال تصویب قانون مربوط، ذیلاً می‌آید:
ارمنستان ۱۳۷۵، پاکستان ۱۳۷۶، لبنان ۱۳۷۹، بوسنی و هرزگوین ۱۳۷۹، یمن ۱۳۷۹، بلاروس ۱۳۷۹، لهستان ۱۳۷۹، سودان ۱۳۷۹، آفریقای جنوبی ۱۳۷۹، سوئیس ۱۳۸۰، قطر ۱۳۸۰، ترکیه ۱۳۸۰، ایتالیا ۱۳۸۲، فرانسه ۱۳۸۲، اسپانیا ۱۳۸۲، آلمان ۱۳۸۲، الجزایر ۱۳۸۳ و چین ۱۳۸۳.
۲. اقبال طالقانی، حسین، «رونق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، چکیده گزارش ۲۰۰۴ سرمایه‌گذاری خارجی (UNCTAD)»، *فصلنامه اقتصاد سیاسی*، شماره ششم، ص ۱۹۲.
۳. علیدوستی، ناصر، «جنبه‌های حقوقی امنیتی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران»، *گزارش راهبردی*، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴، ص ۴.
۴. نصری، قدیر، *نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹.
5. Sornarajah, M., *International Law on Foreign Investment*, Cambridge University Press 1994.
۶. این حساسیت در اصول ۸۱، ۸۲ و ۱۳۹ قانون اساسی به روشنی دیده می‌شود.
۷. در قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری میان دولت ایران و دیگر دولت‌ها، عبارت داخل «گیومه» عیناً تکرار شده، با این توضیح که به جای عبارت «دولت متعاقد دیگر»، نام دولت طرف معاهده ذکر می‌گردد.
8. Sornarajah, op. cit, p. 255.
۹. برای دیدن تاریخچه و چگونگی گذر صنعت نفت ایران از دوران قراردادهای اعطای امتیاز به دوره ملی‌شدن، رک. *نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، پیشین، صص ۷۷ تا ۹۷.
۱۰. نمونه‌ای از این اعترافات، عکس‌العمل علمای کشورمان در برابر مصونیت قضایی «کاپیتالاسیون» بود.
11. Sornarajah, op.cit, p. 262.
۱۲. قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و فرانسه، مصوب ۸۲/۷/۱۵.
۱۳. تشریفات پیش‌بینی‌شده در اصل ۱۳۹ قانون اساسی ناشی از احتیاط در این زمینه است. به موجب این اصل، «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران

است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند».

14. Sornarajah, op.cit, p. 311.

۱۵. به موجب ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی:

«اختلافات بین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع قانون، چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد، در دادگاههای داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مگر آنکه در قانون موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذاری خارجی، در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد».

۱۶. بند ۱ ماده ۱۲ قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت‌های ایران و فنلاند مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳، روزنامه رسمی شماره ۱۷۱۸۶-۱۳۸۲/۱۲/۶ و بند ۱ ماده ۱۱ قانون فوق‌الذکر میان دولت‌های ایران و اسپانیا، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳، روزنامه رسمی شماره ۱۷۱۸۶-۱۳۸۲/۱۲/۶.

۱۷. بند ۸ ماده ۸ قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت‌های ایران و ایتالیا مصوب ۸۲/۲/۲۳، روزنامه رسمی، شماره ۱۶۹۸۰-۸۲/۰۳/۲۸.

۱۸. در بیشتر موافقت‌نامه‌ها، مهلت ۶ ماهه پیش‌بینی شده است، اما مهلت ۳ ماهه نیز در این مورد دیده می‌شود؛ مانند موافقت‌نامه دولت ایران و دولت فنلاند.

19. International Centre for Settlement of Investment Disputes (1965) (ICSID).

۲۰. نکته جالب اینکه، با وجود پیش‌بینی ارجاع اختلاف سرمایه‌گذاری به داوری ایکسید در برخی موافقت‌نامه‌های دوجانبه، دولت جمهوری اسلامی ایران تا این تاریخ به این معاهده نپیوسته است.

21. United Nations Commission on International Trade Law.(UN CITRAL)

۲۲. قانون موافقت‌نامه دوجانبه ایران و فرانسه، ایران و الجزایر و ایران و ایتالیا.

۲۳. قانون موافقت‌نامه دوجانبه دولت ایران و فرانسه.

۲۴. قانون موافقت‌نامه دوجانبه دولت ایران و عمان، مصوب ۱۳۸۱/۳/۲۹.

۲۵. جنیدی، لعیا، *قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی*، نشر دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۷۶.

۲۶. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۲، ص ۹۰۷ به نقل از امام، فرهاد، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران*، نشر یلدا، ۱۳۷۳، ص ۳۳۱.

۲۷. به موجب بند ۴ ماده ۸ قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اوکراین: «... ۴- تصمیمات دیوان داوری قطعی و برای طرفین اختلاف لازم‌الاتباع خواهد بود.»

۲۸. تصریح به ضرورت رعایت قوانین و مقررات دیگر برای ارجاع اختلاف سرمایه‌گذار و طرف متعاقد در بند ۲ ماده ۸ قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ایتالیا، نمونه‌ای از اشاره به لزوم رعایت حکم اصل ۱۳۹ قانون اساسی است.